



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
شنبه ۴ January 2025
۱۴۰۳ ۳ رجب ۱۴۴۶
۸ صفحه پنج هزار تومان سال سوم شماره پانصد و یک
www.asrghanoon.ir

اتحاد اروپا با شورشیان

وزیر خارجه آلمان در دیدار با شورشیان: سفر ما به دمشق نشانه‌ای از سوی اتحادیه اروپا مبنی بر امکان آغاز روابط سیاسی جدید با سوریه است

وزیر امور خارجه آلمان صبح دیروز (جمعه)، بعد از ورود به دمشق در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشت: همه سوری‌ها باید در مرحله آینده در روند سیاسی جایی داشته باشند.

سفر وزرای امور خارجه آلمان و فرانسه به سوریه اولین سفر مقام‌های ارشد غربی به دمشق از زمان سقوط بشار اسد محسوب می‌شود.

احمد شرع پیش از این خواستار لغو تحریم‌هایی شده بود که کشورهای غربی علیه سوریه در دوران حکومت بشار اسد وضع کرده بودند.

شورشیان مخالف بشار اسد از زمان فتح دمشق تاکنون تلاش کرده‌اند تا به جامعه جهانی اطمینان دهند که حقوق همه سوری‌ها از جمله اقلیت‌های مذهبی و قومی را محترم خواهند شمرد.

در صفحه ۲ بخوانید

آیا قطعیت پیروزی به معنای سرعت پیروزی است؟



تصور می‌کنند قطعیت پیروزی به معنای پیروزی در همین اکنون است. می‌پندارند اگر ضربهای محکم و کاری و برگشت ناپذیر انجام شود، سنت خدا جاری شده و کار تمام خواهد شد

۳

قدرت در سیاست دینی



قدرت در سیاست دینی در خدمت حقیقت بوده، در حالی که در سیاست سکولار چه سنتی و چه مدرن در خدمت منفعت، یعنی در خدمت منافع گروهی، حزبی، نژادی و صنفی است.

۳

همکاری ایران و عربستان قدرت و عزت به منطقه می‌دهد



ما باید به حمایت از فلسطین با همه راه‌های ممکن ادامه دهیم. قضیه فلسطین در وجدان عراقی‌ها، حاضر بوده و خواهد ماند، ما از حق ملت فلسطین در سرزمینش که توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی سلب شده دست نخواهیم کشید.

۴

بهره برداری از نیروگاه تجدیدپذیر در کشور



بخشی از مشکلات ناشی از دوستان اقتصاد خوانده‌ای است که به سیاست‌گذاران گرانی را تحمیل و تورم را بهانه می‌کنند؛ در حالی که تورم به دلیل بی‌تدبیری‌هاست.

۵

شرایط سینما مطلوب نیست



من اصلا به آن صورت در جریان سینما نیستم؛ دو، سه فیلم سینمایی کار کردم اما حساب کارهای سینمایی از دستم دررفته است. همین که بچه‌ها مشغول کار باشند و دلشان خوش، یعنی سینما هم حالش خوب است و گرنه شرایط را مطلوب نمی‌بینم.

۶

آزادی غربی مولد آسیب‌های اجتماعی



آمار خودکشی در غرب و افزایش آن در بین زنان در قیاس با مردان، نشان‌دهنده افزایش بیماری‌های روحی و روانی ناشی از بحران معنویت در میان زنان در کشورهای غربی است.

۷





اسد بهانه بود

مهدی شعبانی‌فرد

سال‌هاست هرگاه سخن از رویکرد خصمانه‌ی آمریکا نسبت به ایران به میان می‌آید پاسخ مسئولین آمریکایی و دنباله‌روهای داخلی‌شان این است که دشمنی ما با نظام جمهوری اسلامی است نه با مردم ایران! ادعای می‌کنند فردای براندازی با استحاله‌ی کامل جمهوری اسلامی تمام دشمنی‌ها پایان می‌پذیرد و ما بدون هیچ گونه طمع‌ی به خاک و منابع کم نظیر ایران با او همکاری دوستانه و عادلانه خواهیم کرد!

تاکنون در پاسخ به این ادعای مضحک می‌شد مثلاً به حمایت همه جانبه و دادن تسلیحات ممنوعه مثل شیمیایی به رژیم تجاوزگر صدام، تحریم‌های غیرانسانی مثل منع ورود داروهای بیماران صعب‌العلاج، اختلال در مراودات تجاری که مستقیماً موثر بر معیشت مردم است و... اشاره کرد. از طرفی می‌شد به شواهد تاریخی متعدد مثل کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ که در آن آمریکا مستقیماً در امور ایران دخالت و اراده مردم را لگدمال کرد، اشاره کرد. روزگاری که نظام جمهوری اسلامی وجود خارجی نداشت. یا مثلاً به قحطی دست‌ساز انگلیس برای ایران که حدود یک قرن پیش اتفاق افتاد و باعث مرگ میلیون‌ها ایرانی از گرسنگی شد، اشاره کرد. روزی که نظام جمهوری اسلامی وجود خارجی نداشت و ده‌ها و صدها نقطه سیاه دیگر که آمریکا و غرب بر خلاف ادعایشان مستقیماً با مردم ایران دشمنی کردند.

اما اکنون، پس از تحولات اخیر سوریه و سقوط حکومت اسد بار دیگر پاسخی روشن به این ادعای پرتکرار، پیش چشم ملت بزرگ ایران است. مگر سال‌ها ادعا نمی‌کردند دشمنی ما تنها با حکومت اسد است که کنار جبهه مقاومت ایستاده نه با مردم سوریه؟ حالا که اسد رفته، پس چرا آمریکا و اسرائیل روی صدها منطقه راهبردی و زیرساختی مردم مظلوم سوریه بمب می‌ریزند؟ حالا که اسد رفته، پس چرا دانشمندان و نخبگان سوری یک به یک مظلومانه ترور می‌شوند؟ حالا که اسد رفته، پس چرا اسرائیل تا چند کیلومتری دمشق جلو آمده و عملاً خاک سوریه را به اشغال خود درآورده است؟ حالا که اسد رفته، پس چرا مهاجمین مزدور و برانداز، حتی در کلام هم این تجاوزات کارفرمای اصلی خود علیه منافع ملی سوریه را محکوم نمی‌کنند؟ آیا همین روند در مورد نظام جمهوری اسلامی حاکم نیست؟ آیا باز هم باید عده‌ای ساده‌اندیشانه باور کنند که دشمنی آمریکا و غرب فقط با نظام جمهوری اسلامی است نه با مردم ایران؟! به نظر می‌رسد دیگر تصویر واقعی ایرانِ فردای براندازی، بر هیچ بینی منصفی پوشیده نباشد.

اتحاداروپا با شورشیان

وزیر امور خارجه آلمان صبح دیروز (جمعه)، بعد از ورود به دمشق در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشت: همه سوری‌ها باید در مرحله آینده در روند سیاسی جایی داشته باشند. «آنانا بائربوک» گفت: سفر ما به دمشق نشانه‌ای از سوی اتحادیه اروپا مبنی بر امکان آغاز یک رابطه سیاسی جدید با سوریه است.

بائربوک در ادامه بیان کرد: همه سوری‌ها باید در مرحله آینده در روند سیاسی جایی داشته باشند.

سفر وزرا امور خارجه آلمان و فرانسه به سوریه اولین سفر مقام‌های ارشد غربی به دمشق از زمان سقوط بشار اسد محسوب می‌شود.

احمد شرع پیش از این خواستار لغو تحریم‌هایی شده بود که کشورهای غربی علیه سوریه در دوران حکومت بشار اسد وضع کرده بودند.

شورشیان مخالف بشار اسد از زمان فتح دمشق تاکنون تلاش کرده‌اند تا به جامعه جهانی اطمینان دهند که حقوق همه سوری‌ها از جمله اقلیت‌های مذهبی و قومی را محترم خواهند شمرد.

کشورهای غربی نه تنها هنوز تحریم‌ها علیه سوریه را لغو نکرده‌اند بلکه گروه هیات تحریر شام، اصلی‌ترین گروه شورشیانی را که با تصرف شهرهای حلب، حما، حمص و در نهایت دمشق زمینه سرنگونی حکومت بشار اسد را فراهم کردند یک گروه «تروریستی» می‌دانند.

سه اصل اساسی «تبیین» چیست؟



■ مطالبه‌ی رهبر انقلاب برای «تبیین»، محدود به قشر مذاحان نیست

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار مذاحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، «تبیین» را مهم‌ترین کار حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها و از نیازمندی‌های اساسی و مهم امروز دانستند: «ما امروز به تبیین نیاز داریم. امروز، شبهه‌افکنی یکی از کارهای اساسی دشمن است. برنامه‌ریزی می‌کنند، حالا یک مقداری در خبرهای آشکار هست که شما هم می‌بینید، یک مقداری‌اش هم در خبرهای آشکار نیست که ما اطلاع داریم. برنامه‌ریزی می‌کنند و پول خرج می‌کنند برای اینکه ذهنیت‌ها را منحرف کنند از حقیقت. چه کسی باید جواب بدهد؟ چه کسی بایستی این خط کج را مستقیم کند؟ چه کسی بایستی تبیین کند؟ شما جزو کسانی هستید که می‌توانید این کار بزرگ را انجام بدهید.»

ایشان، در ادامه‌ی بیانات خود، مذاحی را یک رسانه دانستند و رهنمودهایی را درباره‌ی خطوط و اهداف اصلی استفاده از این رسانه بیان کردند. پیش از ورود به بحث و بررسی این رهنمودهای مهم و اساسی، ذکر یک نکته ضروری است: آنچه رهبر معظم انقلاب درباره‌ی ضرورت و اهمیت «تبیین» و ابعاد آن بیان کردند اگرچه خطاب به مذاحان بود، اما بدون شک نباید دایره‌ی مخاطبین را در قشر مذاحان محدود کرد؛ مخاطب این بیانات و رهنمودها تمام کسانی هستند که به نوعی صدا و مخاطبی دارند؛ از واعظان و مذاحان گرفته تا مسئولان و اساتید دانشگاه و معلمان و رسانه‌ها.

■ حتی شما!

در زمانه‌ی که ابزارهای دیجیتال و هوشمند به‌شدت فراگیر شده و شبکه‌های اجتماعی نقشی جدی در شکل‌دهی به افکار عمومی ایفا می‌کنند و بسیاری از افراد عادی جامعه در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند، آنان را هم باید مخاطب این بخش از بیانات رهبر انقلاب دانست. شاید دایره‌ی مخاطبین این افراد کم باشد — که در برخی موارد نه‌تنها کم نبوده، بلکه زیاد هم هست — اما آنان نیز از قاعده‌ی «ضرورت تبیین» مستثنا نیستند: «البته امروز فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند اما شما جوان‌های عزیز این‌جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه‌ی به صبر، برای توصیه‌ی به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصیه‌ی به خسته نشدن، تنبلی نکردن، بیکاره نماندن و مانند اینها.» ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

■ ابعاد و اهداف «تبیین»

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در ادامه، چند هدف و عملیات محوری را در این عرصه تجویز می‌کنند: «اگر این حرکت مذاحی شما آگاهی‌بخش باشد — اول آگاهی — بعد امیدآفرین باشد، یعنی ما می‌توانیم ببینیم که با شما حرکت‌دهنده باشد، آن وقت یک کار اساسی و بزرگ را شما انجام داده‌اید که با بسیاری از ابزارهای سخن گفتن و تبلیغ کردن، آن مقصود حاصل نمی‌شود. می‌توانید مبارزه کنید با هراس‌افکنی دشمن — یکی از کارهای مهم دشمن، ترساندن است، هراس‌افکنی است — می‌توانید مقابله کنید با اختلاف‌افکنی دشمن، می‌توانید مقابله کنید با یأس‌آفرینی دشمن. ببینید! اینهایی که عرض می‌کنم، هر کدام یک عنصر اساسی است.»

■ چرا آگاهی‌بخشی؟

رهبر انقلاب اولین ویژگی و مأموریت مهم «تبیین» را آگاهی‌بخشی عنوان می‌کنند. دشمن، مخاطب و مردم را اهل فکر و آگاهی نمی‌خواهد. وقتی کسی اهل فکر و آگاهی باشد، بسته به میزان و عمق این آگاهی، به احتمال بسیار زیاد مرعوب یا فریفته‌ی دشمن نمی‌شود. برخلاف آنچه استکبار و استبداد دنبال می‌کنند، نظام اسلامی به دنبال رشد فکری و آگاهی‌بخشی به جامعه است و مردم را رشید و اهل فکر و تأمل می‌خواهد؛ اما نظام استکبار، برخلاف آنچه شعار می‌دهد و دم

از آزادی می‌زند، برای رسیدن به اهداف تولید خود از آگاهی مردم هراس دارد و برای قلب واقعیت‌ها دست به هر ترفندی می‌زند. «آگاهی» اشتراک معنایی و محتوایی بسیار زیادی با «بصیرت» دارد. نگاهی به میزان تأکید و توصیه‌ی رهبر انقلاب به موضوع «لزم بصیرت داشتن و گسترش آن در جامعه»، به‌روشنی گویای اهمیت این هدف از «تبیین» است.

■ امیدآفرین باشید

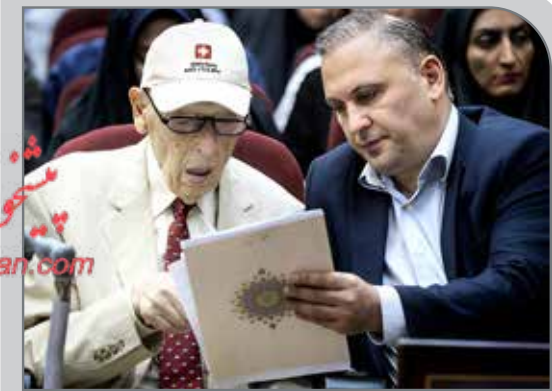
شاید بتوان گفت اصلی‌ترین عملیات روانی و رسانه‌ای دشمن، به‌خصوص در یکی دو دهه‌ی اخیر، مایوس کردن مردم بوده و هست. آنان سعی دارند مردم را از همه چیز مایوس کنند؛ لذا مشکلات و چالش‌های پیش‌رو را بسیار بزرگ‌تر از آنچه هست جلوه می‌دهند، این چالش‌ها را غیر قابل حل معرفی می‌کنند، دستاوردها را انکار و حتی تحقیر می‌کنند یا در بهترین حالت کوچک‌سازی می‌کنند، القاء بن‌بست می‌کنند و در نهایت به دنبال آن هستند که مخاطب هیچ‌امیدی به آینده نداشته باشد. در این باره، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «امروز سعی دنیا این است که ملت ایران را از ادامه‌ی راه امیرالمؤمنین و راه اسلام مایوس کند. من به شما و به همه‌ی ملت ایران عرض می‌کنم امروز بزرگ‌ترین جهاد در میدان تبلیغات، این است که کسی بتواند ملت ایران را به عقابت و فرجام این راه امیدوار کند. هر کس مردم را ناامید کند، به این ملت خیانت کرده است. بهترین راه برای دل‌سردی کوهنوردی است که با شوق از قله‌ها بالا می‌رود در حالی که کوله‌پشتی‌اش را بسته و کمر را محکم کرده و عصا به دست گرفته، این است که دروغی جعل کنند و به او بگویند که نمی‌شود رفت و به قله رسید؛ وسط راه، فلان اشکال و فلان مانع وجود دارد. می‌رود که قله را فتح کند — یعنی هدف دارد — اما تا بفهمد به آن هدف نمی‌رسد، دست‌وپایش سست می‌شود و از همان جا برمی‌گردد.» ۱۳۷۲/۱۰/۶

■ حرکت‌دهنده باشید

گاهی افراد یک جامعه آگاهی و امید هم دارند، اما باز هم آنچه باید رخ بدهد نمی‌شود؛ چرا؟ چون ممکن است علی‌رغم داشتن آگاهی و امید — که عناصری ذهنی و فکری هستند — در عمل، به دلایلی، اقدام لازم و به‌موقع را انجام ندهند. درباره‌ی چرایی چنین مسئله‌ای بسیار می‌توان سخن گفت اما همان‌طور که رهبر انقلاب در دیدار با مذاحان بیان کردند، هراس از دشمن و یا اختلاف در جبهه‌ی خودی می‌تواند از جمله‌ی موانع حرکت باشد. اینجانب نیز نیاز به «تبیین» است؛ تبیینی که محرک باشد، ترس‌ها را بزداید و از اختلافات بکاهد و بر انسجام و اتحاد بیفزاید. یکی از عناصر اصلی حرکت، به‌موقع بودن آن است. حرکتی که به هر دلیلی — از جمله هراس — به‌موقع و در لحظه‌ی نیاز انجام نگیرد و به تأخیر بیفتد، یا اثر ندارد یا اثر آن کاهش خواهد یافت: «نباید غفلت کنیم از وظایف‌های که عقل و شرع به عهده‌ی ما گذاشته؛ باید بدون تأخیر وارد میدان بشویم. تأخیر نباید داشته باشیم. آن وقت به تناسب اهمیت‌هایی که آن کار دارد، خطرات را به جان بخریم. بالاخره در هر حادثه‌ای، هر خطری را نباید انسان به جان بخرد؛ بعضی از حوادث هست که این قدر اهمیت ندارد که انسان جانش را به خطر بیندازد. به تناسب اهمیت حادثه، خطر مرتب بر ورود در میدان را به جان بخریم. مشکل آن وقتی به وجود می‌آید که ما در این وظایف اختلال ایجاد می‌کنیم؛ بسرعت احساس تکلیف نمی‌کنیم، بهنگام وارد نمی‌شویم، خطر را به جان نمی‌خریم، ملاحظه می‌کنیم؛ این [طوری] است.» ۱۴۰۱/۱۰/۱۹ (خط حزب‌الله)

نقش سردار سلیمانی در تحولات منطقه تقویت محور مقاومت

جعفر قنادباشی



دروغ پنج ساله!

به دروغ می‌گویند داستان ما با آمریکا از تسخیر سفارت این کشور شروع شد. دقیقاً قدم را از پله دوم می‌گذارند بدون اینکه بگویند پله اول چه بوده است؟ داستان ایران با کارت تر شروع نمی‌شود. با مرگ «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور آمریکا هنگام وقوع انقلاب اسلامی ایران؛ رئیس‌جمهوری که ماجرای اشغال سفارت جاسوسی در تهران در زمان او رخ داد و روابط دو کشور به پایین‌ترین سطح خود رسید، بار دیگر برخی جریان‌های غربی بهانه‌ای به دست آوردند تا ایران و ملت انقلابی ایران را مسبب دشمنی آمریکا با ایران معرفی کنند! بهره‌برداری دروغی که آنقدر تکرار شده است که به روایت غالب در روابط تهران و واشنگتن تبدیل شده است؛ روایتی که تاریخ دروغ بودن آن را به وضوح نشان می‌دهد.

برای اثبات این مدعی کافی است بدانید اولین «مرگ بر آمریکا» را دانشجویان گفتند، نه در سال ۱۳۵۸ شمسی و پس از انقلاب اسلامی ایران، بلکه این شعار اولین بار در ۱۳۳۲ بعد از کودتای آمریکایی‌ها علیه نهضت ملی‌شدن نفت در ایران سر داده شد! تا قبل از آن کودتا، آمریکایی‌ها اساساً در ایران محبوب بودند. یک دلیل عمده‌اش این بود که در دهه بیست، یعنی به مدت ده سال ایران زیر چکمه اشغالگران انگلیس، روس و کمی آمریکا بود. از دل آن اشغالگری، نهضت نفت خروشید که بعد از چهار سال با طرح مشترک MIF و CIA عملیات آژاکس با میدان‌داری افسران پهلوی انجام شد و آن کودتا، مختصر امید جامعه ایرانی را هم برای رسیدن به منافع‌شان در آن سال‌ها بر باد داد.

مردم ایران بعد از کودتا چه دیدند؟ سه سال بعد از کودتا، آمریکایی‌ها با مشارکت اسرائیلی‌ها ساواک مخوف را شکل دادند و در همین ده سال هر کسی را که در نهضت ملی‌شدن نفت دست داشت، یا اعدام کردند یا تبعید یا در زندان حبسش کردند. اساساً انقلاب ۱۳۵۷ یک واکنش بزرگ اسلامی به آن کودتای آمریکایی بود. تسخیر سفارت ماه‌ها بعد از تلاش ژنرال هایزر برای اجرای کودتای آمریکایی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ بود؛ یعنی دو کودتا کمتر از ۲۵ سال. یعنی ماه‌ها بعد از حمایت‌های آمریکا از شاه فراری شده و ماه‌ها بعد از مواضع آمریکا علیه انقلاب اسلامی بود. حالا بماند که از دل آن لانه جاسوسی چه اسنادی که منتشر نشد که اقدامات و تصمیمات آمریکا علیه ایران و منافع ملی آن را افشا می‌کرد. تقابل ملت ایران با آمریکا از همان روز کودتای ۳۲ شروع شد؛ همان روزی که مختصر نور امید را آمریکایی‌ها در دل مردم سرکوب کردند.

خالص‌تر ضد صهیونیستی در سوریه است. آنچه که امروز در سوریه می‌گذرد، یک مرحله گذار است؛ سمت و سوی این مرحله گذار هم بنا به آخرین تحقیقات و بررسی‌ها و اطلاعات به سمت تبدیل سوریه به یک حلقه مقاومت با قابلیت‌هایی بسیار بیشتر از گذشته است. آمریکا و اسرائیل به دنبال بنای یک خاورمیانه جدید بودند، اما سردار سلیمانی بر اساس شناخت دقیقی که از کشورهای منطقه و جریان‌های بین‌المللی داشت، نظامات جدیدی در عرصه دفاعی منطقه به کار گرفت. سردار سلیمانی با بکارگیری جنگ‌های نامتقارن و شکست داعش توانست آغازگر مرحله جدیدی در تاریخ کشورهای اسلامی و مبارزات ضد استعماری در منطقه و جهان باشد.

اسلامی و مردم جهان در یک جایگاه بسیار ویژه و خوبی قرار بگیرد. این جایگاه ویژه به خصوص بعد از آنکه صهیونیست‌ها نتوانستند هیچ کدام از اهداف اعلام شده خود را در غزه به رغم ۱۵ ماه جنگ محقق کنند، بیشتر شد.

در لبنان هم اسرائیل علیرغم اینکه بیشترین نیروی نظامی را در تاریخ خود علیه جنوب لبنان به کار گرفته بود و سران حزب‌الله هم به شهادت رسیدند باز هم مقامات صهیونیستی نتوانستند اهدافشان که رسیدن به رود لیطانی در لبنان بود را محقق کنند. این امر صحنه دیگری از موفقیت جبهه مقاومت است که جایگاهش را در مراحل بالاتر تثبیت می‌کند.

اما مسئله سوریه هم گرچه می‌توان گفت در واقع به نوعی به عنوان یک خلل در مسیر محور مقاومت تلقی می‌شود، اما از طرفی می‌توان گفت مقدمه‌ای برای تشکیل نیروها و جریان‌های

همکاری ایران و عربستان قدرت و عزت به منطقه می دهد

عمار حکیم



معادله وحشت

محسن صیادقنبری

دور جدید حملات موشکی یمن آنهم از نوع بالستیک فراصوت بر ضد اسرائیل آغاز شده است. موشک‌هایی که خواب و آسایش را از صهیونیست‌ها گرفته و چالش جدی برای این رژیم رقم زده است. اسرائیل هم به تلافی این حملات، به یمن حمله هوایی نموده و زیرساختها از جمله فرودگاه صنعا را هدف قرار داد.

یمن کشوری است که بیش از دو هزار کیلومتر با اسرائیل فاصله دارد بنابراین حملات هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به این کشور آنهم با فرسنگ‌ها فاصله هزینه‌زا خواهد بود. در ضمن اسرائیل به دلیل عدم اشراف اطلاعاتی به داشته‌های نظامی انصارالله، برای تلافی، به مراکز غیرنظامی حمله نموده است که در صورت اقدام متقابل یمن در حمله به مراکز زیرساختی فلسطین اشغالی اعم از آب، برق و ... از این لحاظ رژیم صهیونیستی بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود چرا که غیرفعال شدن این زیرساختها عملاً هرج و مرج وسیعی را در آنجا رقم خواهد زد.

نکته بعدی اینکه یمن برخلاف غزه و لبنان هم‌مرز با فلسطین اشغالی نیست و برای اسرائیل، حمله زمینی به یمن با ادوات مربوطه و تانک‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. یکی دیگر از امتیازات مهم انصارالله یمن، برخورداری از حمایت‌های گسترده مردمی است. مردم یمن ملتی متحد و یکپارچه می‌باشد و بصورت نمونه تقریباً هر هفته جمع‌ها با برپایی اجتماع میلیونی، حمایت قاطع خود را از اقدامات انصارالله و جبهه مقاومت نشان داده‌اند و هر زمان آماده مبارزه و شهادت در این راه هستند. تجربه ثابت نموده است هر کشوری که دارای حمایت صفر تا صد مردمی است شکست دادن آن، کار بسیار سختی برای دشمنان خواهد بود.

یمن ثابت کرده که توانسته است برای آمریکا و ائتلافش در دریای سرخ دردسرافرین و هزینه‌بردار باشد و از سوی دیگر صهیونیست‌ها باید همچنان منتظر صدای آژیر خطر باشند و اینچنین برای صهیونیست‌ها معادله وحشت را رقم زده است.

سقوط‌پشت‌سقوط!

در روزهای اخیر، حادثه‌های تلخ و پرسروصدا در آسمان آذربایجان اتفاق افتاد که همچنان در کانون توجه‌ها قرار دارد. هوایمی مسافربری این کشور در حالی که بر فراز حریم هوایی روسیه پرواز می‌کرد، ناگهان هدف موشک قرار گرفت و سقوط کرد. رئیس‌جمهور آذربایجان با ابراز شگفتی از روایت‌های ضدتوقیفی مقامات روسیه، خواستار عذرخواهی رسمی و پرداخت غرامت از سوی مسکو شد. این حادثه، با تمامی جنبه‌های تراژیک و سیاسی‌اش، تنها یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای از رویدادهای هوایی مریگار در روزهای اخیر است.

تنها چند روز پس از این سقوط، در کره جنوبی فاجعه‌ای دیگر رقم خورد. هوایمی مسافربری شرکت «ججو ایر»، که از تایلند عازم کره جنوبی بود، در لحظه فرود در فرودگاه «هوان» به دلیل باز نشدن چرخ‌هایش از باند خارج شد و به دیواره برخورد کرد. تصاویری که از این لحظات منتشر شده، آشفتنگی و وحشت را در میان سرنشینان به تصویر می‌کشد. از ۱۸۱ مسافر و خدمه این هواپیما، تنها دو نفر زنده ماندند و این سانحه به یکی از تلخ‌ترین فجایع هوایی سال تبدیل شد. مدیرعامل شرکت هوایمی با پذیرفتن مسئولیت این حادثه، تنها چند ساعت پس از وقوع آن رسماً عذرخواهی کرد.

اما این پایان داستان نبود. در همان روزها، کانادا نیز شاهد حادثه‌ای مشابه بود. در فرودگاه «هالیفاکس»، یک هواپیما مسافربری به دلیل شکستگی ابراه فرود، ناچار به فرودی سخت و اضطراری شد. اگرچه خوشبختانه این حادثه بدون تلفات جانی به پایان رسید، اما به سرعت به موجی از نگرانی‌ها درباره ایمنی هواپیماها در سطح جهانی دامن زد. همچنین، در نروژ یک بوئینگ ۷۳۷ خطوط هوایی KLM، به دلیل نقص سیستم هیدرولیک، از باند فرودگاه اسلو خارج شد. حادثه‌ای که، هرچند تلفات یا خسارات جانی نداشت، اما نشان از زنجیره‌ای از مشکلات فنی داشت که در روزهای اخیر گریبان‌گیر خطوط هوایی در سراسر جهان شده است.

سید عمار حکیم رئیس جریان حکمت ملی عراق دیروز جمعه در مراسم سالروز شهادت شهید آیت الله «سید محمدباقر حکیم» و روز «شهید عراق» که در نجف اشرف برگزار شد، گفت: شهید محراب با چشم تیزبین به آینده عراق و نقش محوری و رهبرانه آن در مقابله با نیروهای تکفیری، افراط‌گرا و مستبد و تلاش‌ها برای آسیب به حاکمیت و استقلال عراق می‌نگریستند تا اینکه به دست نیروهای افراط‌گرا و تکفیری به شهادت رسیدند، ایشان مجاهد زندگی کردند و شهید از دنیا رفتند، یاد ایشان در اذهان جاویدماند و ما از آن درس و عبرت، عزم و اراده و اصرار بر تکمیل همین مسیر را به اذن خداوند الهام می‌گیریم.

وی در ادامه به نقش برجسته دو شهید بزرگ حاج ابو مهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی در پیروزی قاطع بر بقایای گروه تروریستی داعش اشاره و بیان کرد: تجمع امروز ما و احیای این مناسبت عزیز نزد قلب‌های عراقی‌ها، با سالروز شهادت فرماندهان پیروزی و گذشت بیش از ۴ ماه از شهادت سید مقاومت «سید حسن نصرالله» (رضوان الله تعالی علیه) هم‌زمان شده است.

رئیس جریان حکمت ملی عراق با تاکید بر اینکه این دو فرمانده به حق مردان پیروزی و فرماندهان آن و مظهر قهرمانی و فداکاری برای دفاع از مسائل امت و اصول ثابت مقدس آن بودند، گفت: درود بر دو شهید بزرگ حاج ابو مهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی که نقش برجسته‌ای در پیروزی قاطع بر بقایای گروه تروریستی داعش داشتند.

عمار حکیم گفت: ما امروز شاهد تحولات گسترده در منطقه هستیم که نیازمند هوشیاری و آماده شدن برای هر گونه وضعیت اضطراری که به امنیت و ثبات کشورمان آسیب می‌زند و اصول ثابت و ارزش‌های اصیل ما را هدف قرار می‌دهد، است.

حکیم در ادامه با تاکید بر تقویت جبهه داخلی و تحکیم روحیه ملی اعلام کرد: بی‌ثباتی که امروز در منطقه در پی تعرضات مکرر رژیم غاصب صهیونیستی به لبنان و غزه و هدف قرار دادن حاکمیت کشورهای منطقه شاهد آن هستیم و همچنین وضعیت و تحولات پیچیده و حوادث سریع در سوریه نیازمند هوشیاری و توجه از سوی جبهه داخلی است چرا که هر گونه اختلال یا تغییر در موازنه قوا در منطقه، بر حجم چالش‌های عراق تاثیر می‌گذارد، ما بخشی از این منطقه هستیم و در واقع ما قلب تپنده منطقه در میان این چالش‌های پیچیده هستیم.

وی در ادامه خاطر نشان کرد که از این روز باید هر گونه اختلافی که دیگران می‌توانند از آن سوء استفاده کنند را کنار بگذاریم و باید مانع از هرگونه گفتگمانی شویم که فرقه‌گرایی و نفرت درون جامعه ما و در میان ملت ما را تشویق می‌کند. باید با هرگونه تلاش برای آسیب به حاکمیت کشور و قانون آن در عراق مقابله کنیم.

رئیس جریان حکمت ملی عراق تاکید کرد: هیچ گونه مسامحه و سهل‌انگاری در خصوص امنیت کشور و ثبات آن وجود ندارد، اجازه نخواهیم داد عراق را به دوران اختلافات و درگیری بازگردانند و احساسات و وحدت عراقی‌ها را بازیچه قرار دهند. با کسی که گمان می‌کند یا در تلاش است امنیت و حاکمیت عراق را هدف قرار دهد، مسامحه نخواهیم کرد. وی در ادامه گفت: مراقبت نفوذی‌ها باشید و از کسانی که شعارهای گمراه‌کننده علیه وحدت و همبستگی عراقی‌ها می‌دهند، پرهیز کنید. برحذر باشید از کسانی که دارای برنامه‌های خبیث هستند و نمی‌خواهند عراق، سرور و یک

کشور موثر در منطقه باشد. نقش ما تقریب دیدگاه‌ها و کنار گذاشتن تفرقه است و اینکه محل تلاقی و گفتگوی دائم و محلی برای همبستگی و نه دشمنی و میدانی برای تفاهم و نه خصومت باشیم.

حکیم رویکرد سیاست خارجی عراق مبنی بر «پیروی از سیاست خارجی متوازن که در تعارض با اصول ثابت، ارزش‌ها و اهداف عراق نباشد.» را تشریح کرد.

وی افزود که عراق در محافل بین‌المللی اعلام کرده که سیاست خارجی‌اش، دور نگه‌داشتن کشور و ملت از ورود به امور دیگران است و اینکه خاک عراق گذرگاهی برای هرگونه تعرض به کشورهای همسایه و منطقه نخواهد بود.

حکیم تاکید کرد: اما این بدان معنا نیست که عراق در برابر مسائل سرنوشت‌ساز جهان عرب و اسلام، دست بسته می‌ماند، ملت ما ظلم را نمی‌پذیرد چرا که شهامت، غیرت و عزت آن در وجدان و ضمیرش وجود دارد و نخواهد پذیرفت، امت عرب و اسلام، در معرض هیچ تعرض یا خوارگی قرار گیرد. عراق باید نقش برادر دارای اهتمام را در یکپارچه‌سازی منطقه ایفا کند و مانع از هرگونه تلاش برای هدف قرار دادن ملت‌های منطقه و ثبات آنها از طریق یک سیاست خارجی آگاهانه که شرایط منطقه و تحولات آن را در نظر گیرد، شود. وی با تاکید بر اهمیت تداوم حمایت از روابط مثبت سازنده میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان اظهار داشت: همکاری بین این دو کشور مسلمان، قدرت و عزت به منطقه می‌دهد و هر اندازه که چالش وجود داشته باشد، نمی‌تواند در این مساله تقییر کرد پس باید حمایت و فعال‌سازی ابتکارهای سازنده بین این دو کشور مسلمان ادامه داشته باشد و سعی کنیم از طریق عراق، پیوندهای اقتصادی و منافع مشترک بلندمدتی ایجاد کنیم که ملت ما و ملت‌های جهان عرب و اسلام از آن بهره‌مند شوند.

رئیس جریان حکمت ملی عراق همچنین درباره تحولات سوریه گفت: باید به ملت سوریه کمک و از استقلال انتخابات در نظام سیاسی حاکم بر کشور حمایت کنیم، باید درهای عراق به روی ملت برادر سوریه که با آنها تاریخ و سرنوشت مشترک داریم باز باشد، از ملت سوریه می‌خواهیم که نسبت به خطرات آگاه باشند و از شرایط عراق و تجربه سیاسی آن در ساختن حکومتی قوی با حضور همه طیف‌های جامعه سوریه استفاده کنند.

حکیم تاکید کرد که جامعه بین‌الملل باید به سوریه و ملت آن برای برخاستن مجدد و ایجاد برنامه حقیقی در حمایت از فرآیند سازندگی و انسجام ملی به دور از نفرت، افراط‌گرایی، استبداد و به حاشیه راندن دیگران کمک کند. وی اظهار امیدواری کرد که وضعیت سوریه مجدداً بهبود یابد و کشوری قوی با ملت و دولتی با حضور همه طیف‌های جامعه باشد.

حکیم تاکید کرد: ما باید به حمایت از فلسطین با همه راه‌های ممکن ادامه دهیم. قضیه فلسطین در وجدان عراقی‌ها، حاضر بوده و خواهد ماند، ما از حق ملت فلسطین در سرزمینش که توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی سلب شده دست نخواهیم کشید. کسی که گمان می‌کند عراق از قضیه عادلانه فلسطین دست می‌کشد، متوهم است. کسی که گمان می‌کند، عراق تحت فشار برای دست کشیدن از ارزش‌ها و اصولش قرار می‌گیرد، متوهم است. کسی که گمان می‌کند، عراق نمی‌تواند امنیت و صلح منطقه را محقق کند، متوهم است.

مقاومت فلسطینی

حافظ‌هویت تاریخی آنجاست

علیرضاکمیلی

مقاومت فلسطینی حتی قبل از اشغال این سرزمین مقدس در ۱۹۴۸ وجود داشت ولی برخی از کسانی که روزگاری مقاوم بودند تا انتها نماندند چرا که هزینه ایستادگی کم نیست! چنانچه ابوعمار، از پیشنانان مقاومت مسلحانه بود و هنگامی که فشارها زیاد شد وارد مذاکرات اسلو گردید و با رژیم صهیونی کنار آمد! اما او هنوز زنده بود که پشیمان شد چرا که خلف وعده آنان را دید و فهمید که برنامه آنان اشغال کل فلسطین است و جز زبان زور پاسخگوی شان نیست!

حال بیابید تصور کنیم که چیزی بنام گروه‌های مقاومت نداشتیم و کسی هم از آنان حمایت نمی‌کرد تا بتوانند در این سالهای طولانی زنده بمانند. آنگاه همان طور که رژیم در این سالها بارها قرارداد اسلو را نقض کرد و بیش از هشتصد هزار شهرک نشین اشغالگر را به مناطق کرانه باختری آورد، همین وضعیت را در غزه نیز شاهد می‌بودیم و سرعت این شهرک سازی‌ها افزایش می‌یافت. اصلاً تا کنون چیزی بنام مناطق تحت مدیریت فلسطینی‌ها وجود نداشت چرا که با یهودی اعلام کردن دولت حاکم بر کل فلسطین، مابقی را نیز مجبور به پذیرش هویت اسرائیلی می‌کردند مانند آنچه در اراضی ۴۸ رخ داد و پروژه تهوید نیز چیزی از تاریخ و سنت فلسطینیان باقی نمی‌گذاشت!

از همین رو معتقدم که همه تاریخ فلسطین به مقاومت فلسطینی و رهبران و شهدا و جانبازان و اسرا و خانواده های آنان بدهکار است و ابا ندارم سخن آن رهبران را تکرار کنم که اگر ایران نبود وضعیت مقاومت بسیار متفاوت از حالا بود. در این میان نقش «دولت مستقل» خیلی محوری است. اگر دولتی در غزه نبود نمی‌توانست در مقابل سنگین ترین حملات وحشیانه تا کنون مقاومت کند و هنوز هم شاهد پرتاب موشک از این باریکه محدود باشیم که چیزی شبیه معجزه است. تفاوت کرانه و غزه نه در مجاهدان آن که در همین فقدان دولت مستقل فلسطینی بوده است. فتامل!

رسانه‌های تهاجمی و تحلیل نقش آن‌ها در چارچوب نظریه «سگ‌ها»

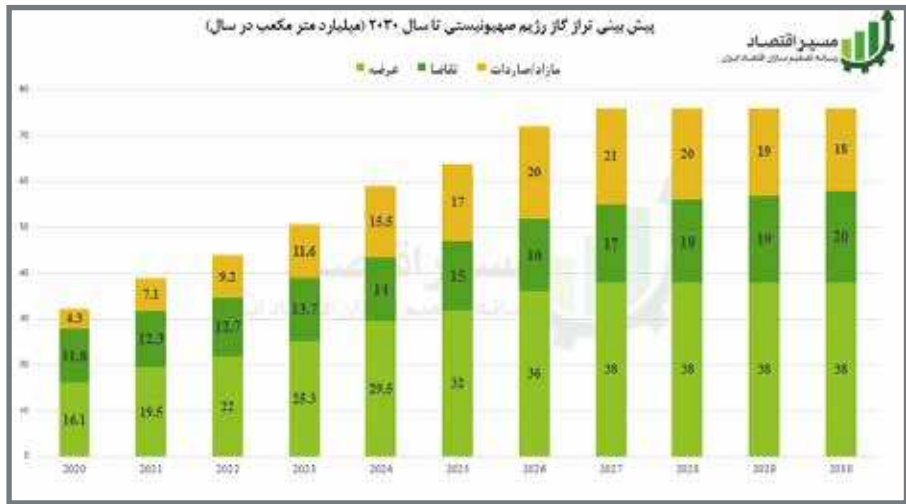


نظریه «سگ‌ها» (Mad Dog Theory) در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به کشوری اشاره دارد که با رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی، سعی در حفظ منافع خود یا جلب توجه سایر کشورها دارد. چنین کشوری عمداً قواعد بین‌المللی را نادیده می‌گیرد و رفتاری بی‌ثبات‌کننده در منطقه و جهان از خود نشان می‌دهد.

این نظریه که به‌طور خاص در حوزه روابط بین‌الملل به رفتار تهاجمی و غیرقابل پیش‌بینی یک کشور در سیاست خارجی اشاره دارد به موشه دایان، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نسبت داده می‌شود. موشه دایان استراتژیست کلیدی صهیونیست، این مفهوم را برای توصیف استراتژی نظامی و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پیشنهاد کرد.

هدف اصلی این نظریه این است که کشورهای همسایه و بازیگران بین‌المللی بدانند هرگونه تهدید علیه رژیم صهیونیستی ممکن است با واکنشی شدید و حتی غیرمعمول مواجه شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور برای دفاع از رژیم صهیونیستی با مخاطب در چارچوب نظریه سگ‌ها برخورد می‌کنند؟

سناریویی برای تغییر معادلات انرژی راه‌مهار رژیم صهیونیستی با اهرم بازار گاز



بازارهای صادراتی گاز

واردات LNG با ظرفیت سالانه ۳۸ میلیون تن است که معادل ۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است. از آنجا که قطر به عنوان ششمین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی خشک جهان (پس از ایالات متحده، روسیه، ایران، چین و کانادا) و دومین صادرکننده بزرگ LNG، سومین دارنده بزرگ ذخایر گاز طبیعی اثبات‌شده در جهان در سال ۲۰۲۲ شناخته می‌شود، این کشور به یک منبع وارداتی پایدار و قابل‌اطمینان برای کشورهای دیگر تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۳، اردن حدود ۲.۹ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از اسرائیل وارد کرده است که اگر این واردات با LNG قطر جایگزین شود، معادل ۲ میلیون تن LNG خواهد بود. تامین تقاضای گاز اردن از طریق قطر می‌تواند این کشور را از وابستگی به واردات گاز از اسرائیل بی‌نیاز کند. همچنین، مصر نیز با توجه به وجود پهنای‌های LNG و امکان تأمین این محصول از کشورهای دیگر مانند قطر، می‌تواند ناترازی گاز در فصل تابستان را جبران کرده و از واردات گاز اسرائیل خودداری کند.

استفاده از نفوذ سیاسی ایران در منطقه: در این راستا، ایران باید با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت سیاسی خود، نفوذ و تأثیرگذاری منطقه‌ای خود را تقویت کند. یکی از استراتژی‌های موثر ایران می‌تواند جلوگیری از تعامل کشورهای مسلمان نظیر مصر و اردن با رژیم صهیونیستی از طریق واردات گاز طبیعی باشد. ایران با معرفی قطر به عنوان جایگزین اسرائیل برای تأمین گاز، باید به دنبال تغییر موازنه‌های انرژی در منطقه و کاهش وابستگی این کشورها به منابع گازی اسرائیل باشد.

ترکیب انرژی اسرائیل: گاز طبیعی جایگزین زغال‌سنگ گاز طبیعی به‌تازگی به ترکیب انرژی اسرائیل اضافه شده و این رژیم کمتر از ۲۵ سال است که به تولید گاز روی آورده است. اولین اکتشافات اسرائیل شامل میدان‌های فراساحلی Mari-B و Noa بود که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ کشف و تولید آن‌ها از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. همچنین، واردات گاز از مصر بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، نیاز انرژی این رژیم را پوشش داد.

گاز طبیعی تا سال ۲۰۱۳ توانست ۲۶ درصد از نیاز انرژی اسرائیل را تأمین کند. طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲، مصرف زغال‌سنگ به‌شدت کاهش یافته و جای خود را به گاز طبیعی داده است. مصرف زغال‌سنگ از ۷.۲ میلیون تن معادل نفت در سال ۲۰۱۳ به ۲.۸ میلیون تن در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است. در مقابل، سهم گاز طبیعی در ترکیب انرژی داخلی از ۲۶ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۴۴ درصد در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ افزایش یافته است. این رقم در مقایسه با سهم گاز در ترکیب انرژی اتحادیه اروپا، که در سال‌های اخیر حدود ۲۴ درصد بوده، به‌مراتب بالاتر است.

تراز گاز رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۳۰ و صادرات طی سال ۲۰۲۳ مجموع تولید گاز رژیم صهیونیستی ۲۵.۳ میلیارد متر مکعب بوده که از این مقدار ۱۳.۷ میلیارد متر مکعب در داخل مصرف و ۱۱.۶ میلیارد متر مکعب آن به مصر و اردن صادر شده است. نمودار زیر تراز گاز را بر اساس پیش‌بینی پایه نشان می‌دهد که برای تحلیل وضعیت مازاد عرضه تا سال ۲۰۳۰ تهیه شده است. نکته قابل توجه این است که افزایش تولید از توسعه میادین موجود و تسهیلات تولید آن‌ها ناشی می‌شود. همچنین فرض بر این است که تا سال ۲۰۳۰ میادین جدید به بهره‌برداری نخواهند رسید.

ایجاد منابع جدید وارداتی برای مصر و اردن از طریق LNG قطر: پیش از شروع واردات گاز از اسرائیل، اردن عمدتاً نیاز گازی خود را از طریق واردات مصر تبدیل کرده است. از این رو برای ضربه به بازار صادراتی رژیم صهیونیستی می‌توان بر روی اقدامات زیر تمرکز کرد:

منبع انرژی	تقاضای انرژی (میلیون تن معادل نفت خام)	وابستگی به واردات
زغال سنگ	۳.۸	کاملاً وارداتی
نفت خام	۱۲.۴	۹۸ درصد وارداتی
فراورده نفتی	۴.۳	صادرات خالص
گاز	۱۰.۴	کاملاً تولید داخلی

بهترین الگو برای اقتصاد دریا محور، الگوی توسعه منطقه‌ای است

حسین خوشدل - سیامک سیدمرندی



خوشدل با اشاره به اینکه دولت چهاردهم استفاده از مشاوران بین‌المللی را در این زمینه در دستور کار دارد اظهار کرد: تجارب بین‌المللی متعددی در این حوزه وجود دارد که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و معتقدم که الگوی توسعه منطقه‌ای قطعاً بهترین الگو برای اقتصاد دریا محور است.

در ادامه برنامه، سیامک سید مرندی رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی صنایع دریایی اظهار کرد: سیاست‌های کلان ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری به‌خودی‌خود نمی‌تواند منجر به توسعه شود و نیازمند تبدیل شدن به برنامه است و از طرف دیگر، ابزار و آمادگی برای اجرای این سیاست‌ها نیز وجود ندارد.

وی افزود: ما در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای کشور نه تنها پیشرفتی نداشتیم؛ بلکه بعضاً پسرفت هم داشتیم که علت آن واگذاری اجرای این برنامه‌ها و اسناد بالادستی به سازمان‌ها و دستگاه‌های دست‌سومی مانند سازمان بندر و تغییر دولت‌ها و نوع نگرش متفاوت آن‌هاست.

رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی صنایع دریایی با بیان اینکه ساختار نیروی انسانی، ساختار سازمان‌ها و منابع بودجه‌ای به تحقق برنامه‌های توسعه‌ای کمک می‌کنند گفت: در حال حاضر بحث‌هایی مانند توسعه دریا و اقتصاد دریا محور زیر مجموعه دستگاه‌هایی قرار داده شده که خود آن‌ها زیر مجموعه یک دستگاه دیگر هستند و ابزارهای موردنیاز را ندارند.

وی با بیان اینکه بحث گردشگری هنوز از موضوع حمل مسافر تفکیک نشده و عده‌ای این دو را یک مفهوم تلقی می‌کنند افزود:

در سال‌های اخیر، رژیم صهیونیستی با افزایش صادرات گاز طبیعی به بازارهای منطقه‌ای، تلاش کرده است جایگاه اقتصادی و سیاسی خود را تقویت کند. این در حالی است که گسترش بازار LNG به‌عنوان یک منبع قابل‌اعتماد و انعطاف‌پذیر، فرصت‌های جدیدی برای کاهش وابستگی به گاز اسرائیل فراهم آورده است. از سوی دیگر، تضعیف صادرات گاز می‌تواند ضربه‌ای جدی به اقتصاد اسرائیل وارد کرده و نفوذ آن در منطقه را محدود کند. رژیم صهیونیستی، به دلیل اشغال سرزمین‌های فلسطینی و نقض مکرر حقوق بین‌الملل و انسانی تحت انتقاد گسترده قرار دارد، از این رو استفاده از ابزارهای اقتصادی می‌تواند راهکاری مؤثر برای اعمال فشار و وادار کردن این رژیم به تغییر سیاست‌هایش باشد. اعمال چنین سیاست‌هایی علیه رژیم صهیونیستی می‌تواند گامی عملی در جهت حمایت از حقوق فلسطینیان و تقویت احترام به قوانین بین‌المللی باشد.

ترکیب انرژی اسرائیل: گاز طبیعی جایگزین زغال‌سنگ

گاز طبیعی به‌تازگی به ترکیب انرژی اسرائیل اضافه شده و این رژیم کمتر از ۲۵ سال است که به تولید گاز روی آورده است. اولین اکتشافات اسرائیل شامل میدان‌های فراساحلی Mari-B و Noa بود که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ کشف و تولید آن‌ها از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. همچنین، واردات گاز از مصر بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، نیاز انرژی این رژیم را پوشش داد.

تراز گاز رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۳۰ و صادرات

طی سال ۲۰۲۳ مجموع تولید گاز رژیم صهیونیستی ۲۵.۳ میلیارد متر مکعب بوده که از این مقدار ۱۳.۷ میلیارد متر مکعب در داخل مصرف و ۱۱.۶ میلیارد متر مکعب آن به مصر و اردن صادر شده است. نمودار زیر تراز گاز را بر اساس پیش‌بینی پایه نشان می‌دهد که برای تحلیل وضعیت مازاد عرضه تا سال ۲۰۳۰ تهیه شده است. نکته قابل توجه این است که افزایش تولید از توسعه میادین موجود و تسهیلات تولید آن‌ها ناشی می‌شود. همچنین فرض بر این است که تا سال ۲۰۳۰ میادین جدید به بهره‌برداری نخواهند رسید.

طبق این پیش‌بینی، تولید به ۳۸ میلیارد متر مکعب و تقاضا به ۲۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید، که منجر به وجود مازاد عرضه از ۱۱۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۳ به ۲۱ میلیارد متر مکعب



بهره‌برداری از نیروگاه تجدیدپذیر در کشور

جعفر محمدنژاد

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص نیروگاه‌های تجدیدپذیر با دکتر جعفر محمدنژاد سخنگوی سازمان انرژی‌های تجدید پذیر به صورت تلفنی گفتگو کرد.

جعفر محمدنژاد با بیان اینکه ایران همچون بسیاری از کشورهای دنیا استفاده و توسعه از انرژی‌های تجدید پذیر را در دستور کار قرار داده است، گفت: برای نخستین بار به صورت نیروگاهی، حدود ۳۰ سال پیش از انرژی باد در منطقه شمالی کشور با احداث نیروگاه‌های بادی بهره بردیم. همچنین بعد از چند سال، استفاده از سلول‌های خورشیدی در زیر مجموعه سازمان مخابرات داشتیم.

وی با بیان این که عدم امکان پذیری استفاده از نیروهای تجدیدپذیر، دلیل توسعه نیافتن انرژی‌های تجدید پذیر در کشور نبوده، اظهار کرد: یکی از دلایل عدم توسعه کاربردی نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشورمان، به فکر نادرستی که در تصمیم گیران کلان انرژی در حوزه وزارت نیرو و نفت وجود دارد برمی‌گردد. زیرا بیشتر مدیران چنین اعتقادی دارند که به واسطه دسترسی گسترده به منابع فسیلی، همچنان باید برق کشور را از طریق منابع فسیلی تأمین کنیم.

وی افزود: این موضوع در همین چهار یا پنج سال گذشته از سوی مدیران کلان انرژی مطرح می‌شد و آنها با افتخار اعلام می‌کردند تا صد سال آینده نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی را در اختیار داریم و همین رویکرد مهمترین دلیل و عامل توسعه نیافتن نیروگاه‌های تجدید پذیر است.

سخنگوی سازمان انرژی‌های تجدید پذیر در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه وقتی دولت‌ها در جهان کار خود را به درستی انجام ندهند، بخش خصوصی میدان لازم برای انجام کارهای خود را نخواهد داشت، گفت: در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، دولت‌ها بسیار کوچک هستند و نقش تولی‌گری یا ایجاد یک بازار جذاب برای موضوعات مهم را بر عهده دارند و بخش خصوصی عملاً میدان داری می‌کند و حمایت می‌شود.

وی در عین حال بیان کرد: در سال‌های اخیر حوزه کاری نیروگاه‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری که متعلق به سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر است، اقدامات بسیار خوبی را رقم زده و در این راستا، منظر قوانین و تسهیل‌گری ورود بخش خصوصی، زیرساخت‌های خیلی خوبی را فراهم کرده است.

محمدنژاد اشاره کرد: تقریباً از سال ۱۳۹۶ به بعد سازمان ساتبا حتی یک کیلووات نیروگاه تجدید پذیر را از طریق دولت توسعه نداده و تمام این کارها را در اختیار بخش خصوصی قرار داده است.

سخنگوی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر در خصوص وضعیت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر عنوان کرد: در حال حاضر حدود هزار و ۵۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر در حال بهره‌برداری داریم و به جز ۱۰۰ مگاواتی که توسط دولت افتتاح شده، بقیه آنها از سوی شرکت‌های خصوصی احداث شده است.

وی از برگزاری یک نمایشگاه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر خبر داد و اظهار کرد: این نمایشگاه تخصصی تا روز یکشنبه ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه تخصصی، بیش از ۱۵۰ شرکت بخش خصوصی در حوزه‌های نیروگاه‌های تجدیدپذیر ارائه خدمات می‌دهند.

دبیر اندیشکده پیشرفت‌های دریایی، توسعه اقتصاد دریا محور را نیازمند الگوی توسعه متوازن دانست و گفت: توسعه دریا محور چندین رکن دارد که گردشگری تنها یکی از ارکان آن است.

سینمای ایران در بازنمایی نقش حاج قاسم ضعیف عمل کرده است تا چشم کار می کند جای تو خالی ست

ایمان عظیمی



یکی از دلایل ماندگاری ایران بر پهنه جغرافیا، فرزندان عزیز آنند. آن‌ها به وقت نیاز اسلحه دست گرفتند و الله گویان از حریم کشور در برابر دشمن بدسگال و بداندیش ایران دفاع کردند. ذکر اسامی شهدای مدافع وطن آنقدر زیاد است که می‌تواند بیابانی لم‌یزرع و بی‌آب‌وعلف را مملو از شقایق کند و برای بسیاری حامل این واقعیت باشد که پویایی جغرافیای سیاسی ما بدون رشادت و ایثار بهترین فرزندان مملکت ممکن نیست. جمهوری اسلامی وقتی پا به عرصه وجود گذاشت مملو از ایده و نگاه نسبت به جهان پیرامون خود بود و رزمندگان تازه‌نفسش هم حامل تمام آن نگاه‌های جذاب و بدیع. «سلیمانی‌ها»، «کازمی‌ها»، «چمران‌ها»، «طهرانی‌مقدم‌ها» و... با پیوند زدن احساسات پاک و منطقی خود با واقعیت وجودی ایران، کشور ما را از گزند آسیب‌های متعدد خارجی و حتی داخلی در امان نگاه داشتند و تلاش کردند تا بذر محبت در دل تک‌تک طیف‌ها و طبقات اجتماعی کاشته شود؛ اینکه آن‌ها در لباس نظامی تا چه حد در پیاده کردن این هدف موفق بودند بحث دیگری است که چندان نمی‌توان در این لحظه آن را چکش زد، ولی همانطور که امثال شهید قاسم سلیمانی با ایستادن در نقطه محوری تمام جنگ‌ها از شرف و انسانیت در مقابل ذات خبیث استکبار دفاع کردند ما هم وظیفه داریم تا لباس عافیت از تن درآوریم و در حد وسیع خویش از آن‌ها و میراث گران‌بهای که از خود به یادگار گذاشتند، حرف بزنیم. اما کفه ترازو در این طرف ماجرا که ما در آن به‌عنوان شهروند قرار داریم چندان سنگین نیست و بخشی از مردم هنوز درکی از کاری که شهید سلیمانی و یارانش در حفظ امنیت و ثبات ایران جان انجام دادند، ندارند. البته شکاندن کاسه و کوزه‌ها بر سر «مردم» که هیچ وکیل و مدعی‌ای وظیفه دفاع از آن‌ها را برعهده نمی‌گیرد، چندان کار سختی نیست و ما باید دغدغه امثال قاسم سلیمانی را در فکر و ذهنیت مردم جا بیندازیم. اما منظور از «ما» دقیقاً کیست؟ فیلمساز، نویسنده، شاعر، محقق، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، فعال رسانه‌ای و... حلقه ارتباطی خوبی بین مردم و حاکمیتند که می‌توانند انجام این مهم را با سرعت بیشتری به پیش ببرند و «ایده ایرانی زنده و پویا» را در دل‌ها زنده نگاه دارند. پیش‌نیاز رخ دادن تمام این اتفاقات خوشایند هم رها شدن افراد از بند بسیاری از چهارچوب‌های مشخص، دست‌وپاگیر و آغشته به افکار و نگاه‌های سیاست‌زده و ایدئولوژیک است وگرنه صرف «ساخت‌وساز» و دیکته کردن اینکه در سال باید بخشی از تولید سینمای ایران در اختیار جبهه مقاومت قرار بگیرد و جلوی اسم شهدای عزیز مدافع وطن و حرم تیک بخورد و افراد بگویند که

شرایط سینما مطلوب نیست

سعیدامیرسلیمانی

سعید امیر سلیمانی بازیگر، درباره حال و هوای این روزهای سینمای ایران گفت:

ما نمی‌توانیم صبحانه و ناهار خوب بخوریم اما شام نداشته باشیم. من به اشاره به این نکته‌ای گفتم اکتفا می‌کنم.

من اصلاً به آن صورت در جریان سینما نیستم؛ دو، سه فیلم سینمایی کار کردم اما حساب کارهای سینمایی از دستم دررفته است. همین‌که بچه‌ها مشغول کار باشند و دلشان خوش، یعنی سینما هم حالش خوب است وگرنه شرایط را مطلوب نمی‌بینم.

قسمت دوم سریال لالایی به پایان رسیده است. در حال حاضر هم یک قرارداد برای یک سریال به کارگردانی حمیدرضا قزلباش را بستم که در یک اپیزود آن بازی دارم. همچنین تیم‌مان دوباره تصمیم دارد که یک فیلم سینمایی بسازد.

افت گیشه با شروع زمستان

سالن‌های سینما با ۱۶ هزار و ۷۱۲ سانس، میزبان ۶۶۱ هزار و ۱۶۱ نفر در هفته دوم دی‌ماه بوده و با نمایش ۳۰ فیلم ۳۴ میلیارد و ۵۷۳ میلیون و ۸۲۷ هزار تومان فروخته است.

درآمد گیشه در هفته دوم دی‌ماه نسبت به هفته اول که فروش ۵۲ میلیارد تومانی بوده، افت ۱۸ میلیارد تومانی داشته است. مقایسه این میزان فروش در مقایسه با مدت زمان مشابه ماه گذشته (آخرین ماه پاییز) نشان از کاهش درآمد گیشه سینما در اولین ماه زمستان دارد.

از ۱۰ فیلم پرفروش یک هفته اخیر، ۴ فیلم کم‌دی، ۳ اثر کودک و نوجوان، ۲ فیلم درام و ۱ اثر زندگینامه است که در این میان کم‌دی‌ها در صدر جدول دیده می‌شوند. در این برهه نام «هفتاد سی» به کارگردانی بهرام افشاری با اختلاف ۱۷ میلیاردی نسبت به فیلم دوم، به‌عنوان پرمخاطب‌ترین اثر در جدول فروش سینما دیده می‌شود.

«شور» بهترین فیلم سال است



الیور استون، کارگردان مطرح هالیوودی: «شور» بهترین فیلمی است که من امسال دیده‌ام. شگفت‌انگیز است که جان ام‌چو پروسه تولید فیلمش را صرفاً با یک استودیوی هالیوودی انجام داده است. پیش از این استیون اسپیلبرگ، جورج لوکاس و آدام مک‌کی نیز از «شور» تمجید کردند. مک‌کی تا آنجا پیش رفت که گفت «شور» آنقدر رادیکال است که اگر چند سال آینده اکران‌ش ممنوع شود، تعجب نخواهد کرد.

ما کارمان را به ثمر و نتیجه رساندیم و پس از آن دیگر رسالت پرداختن به «مسئله وطن» خود به خود از دوش ما ساقط می‌شود، اگر نگوییم خیانت است قطعاً از کم‌خردی و کم‌هوشی نشأت می‌گیرد.

سینمای ایران با ادعای دریافت جوایز متعدد بین‌المللی و ادعای کشاندن میلیون‌ها نفر به سالن‌های تاریخ نمایش فیلم در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی و حتی شهدای مدافع حرم چه بنای درخور توجه و ارزشمندی برای قدرانی از عزیزترین فرزندان کشور از خود بر جای گذاشته که اکنون بخواهد مدعی دفاع از ارزش‌ها لقب بگیرد؟ پنج سال از زمان شهادت سردار ما می‌گذرد و هنوز یک فیلم بلند داستانی با حداقل استانداردهای لازم فنی و دراماتیک وجود ندارد که بتواند گوشه‌ای از کار را بگیرد و در جنگ میان روایت‌ها حرف حساب، مهم و قابل تأملی بزند؛ با وجود این در فیلم‌های کوتاه و مستند ما قضیه کمی به دلیل تمرکز اندک سرمایه و نبود پول‌های بی‌حساب‌و‌کتاب در پروسه تولید آثار فرق می‌کند و اصالت نگاه فیلمساز در انجام وظیفه ذاتی‌اش در بازنمایی و نمایش زندگی قهرمانان ملی موج می‌زند.

«سیزده‌سالگی»

پدر درگیر قسط و بدهی است و شهربانی با حکم جلب به سراغش می‌آید. پسر می‌ماند و قرض‌های پدر. به کرمان می‌رود برای کار تا بتواند آزادی کسی که شیره جان‌ش از او بوده را تضمین کند. او ابتدا در قبال دریافت مزدی اندک کارگر ساختمانی می‌شود و پس از آن به استخدام مردی آبرومند و متنفذ درمی‌آید و کار در هتل را هم تجربه می‌کند. بدهی پدر کم‌کم جور می‌شود و پسر با آغوش باز به استقبالش می‌رود. این لحظه در زندگی بسیاری از ایرانیان تکرار شده ولی سینمای رویاپرداز و کم‌دی‌مسلك ما حتی یک فریم از زیست شریف روزمره مردم را در آثار بسازندازی و پرفروشش نشان نمی‌دهد، اما جای بسی خوشحالی است که همین یک خط داستان ساده در فیلم «سیزده‌سالگی» دستمایه طرح زندگی واقعی حاج قاسم قرار گرفته و «محمد اسفندیاری» در قامت فیلمساز با اشاره به یکی از فرازهای مهم زندگی این اسطوره، روایتی مهم از برآمدن ایده جنگیدن، تسلیم نشدن و مقاومت کردن را به مخاطبان‌ش در بستر یک زندگی ساده و بی‌وغلش عرضه کرده است. نباید به‌سادگی از کنار این فیلم گذشت چون سیزده‌سالگی به‌سان ریشه دادن درخت هویت می‌ماند و با تاکیدها و مکث‌های بجا و درستش قهرمان داستان ایرانیان را از نقطه صفر شکل گرفتن نطفه شخصیتش بازنمایی می‌کند و از همه مهم‌تر پایان ماجرای او در قاب دوربین را به موفقیتش در انجام مأموریت - که همان پرداخت دیون معوقه پدر بوده- پیوند می‌زند. «سیزده‌سالگی» شاید در ادامه جریانی که محمدحسین مهدویان با «آخرین روزهای زمستان» شروع کرد، تجربه زیبایی‌شناسانه بدیع و تازه‌ای به‌نظر نرسد ولی در بُعد محتوا و از زاویه معناشناسانه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد؛ به‌طوری‌که مدیوم فیلم کوتاه داستانی بیش از این مقدار نمی‌تواند ظرف مناسبی برای ادامه دادن ایده‌های روایی فیلم

به‌نظر برسد و برای طرح آنچه بر شهید سلیمانی در زندگی‌اش رفته «فیلم بلند داستانی» بهترین گزینه است.

«تو به کوچ عادت داشتی» و «روزگار احمد»

فیلم مستند «تو به کوچ عادت داشتی» با اشاره و تأکید بر زندگی شخصی حاج قاسم سلیمانی در حد فاصل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۷، یعنی سال پایان جنگ تحمیلی، پس از تکمیل مراحل تولید در هجدهمین دوره جشنواره سینماحقیقت به نمایش درآمد. امیرحسین عسگری هم مانند محمد اسفندیاری در فیلم کوتاه سیزده‌سالگی تمام زندگی سردار سلیمانی را زیر ذره‌بین نبرد و از کودکی تا روزهای دلبستگی‌اش به امام و انقلاب را همراه با نقاط عطف مهم آن روایت کرد. حاج قاسم مدتی پیش از شهادت گفته بود که علاقه‌ای به ساخته شدن فیلم زندگی‌اش ندارد ولی مگر می‌شود تا این میزان در تاریخ ایران جای پای محکمی داشت و سینماگران را به سکوت و ندیدن سرح و جاودانه حقیقت دعوت کرد؟ عسگری به‌واسطه برخورداری از آرشیه مناسبی از تصاویر و مصاحبه‌ها، مستند خوب و آبرومندی از شیوه زیست و رشادت‌های حاج قاسم در میدان آماده کرده اما استفاده از چهره و نام سردار مدافع حرم و امنیت در دوره هجدهم جشنواره سینماحقیقت به این اثر ختم نشد. «محسن اردستانی» هم در فیلم «روزگار احمد» -که مستندی پرتره در مورد دوران مبارزات و مسئولیت‌های نظامی شهید احمد کاظمی بود- بخشی را به سپهبد سلیمانی اختصاص داد و نقطه اتکا و تأثیرگذاری روایت را بر دوش این شخصیت استوار کرد. البته شیوه ساخت و پرداخت سوژه به‌گونه‌ای بود که لباس «سفارشی بودن» بر تنش زار می‌زد و مخاطب را به دلیل فقدان روش مشخص در شرح و بسط طرح ابتدایی آزار می‌داد، اما باز جای شکرش باقی مانده بود که حداقل از لحاظ کمی هم که شده شهید سلیمانی همچنان در این دوره از جشنواره مصداق داشت.

امیدهایی که خیلی زود به یأس تبدیل شد

سینمای داستانی ما هیچ‌وقت به‌طور شایسته از پس بیان واقعیت‌ها به دلایل مختلف که جای طرحش در این گزارش نیست برنیامده است و همیشه با امساک و پرهیز مسئله شهادت حاج قاسم و یارانش را از نمای دور به‌شکل بسیار محو و کم‌رنگ به تصویر درآورده است. نمونه‌اش فیلم‌هایی نظیر «بیست‌وسه نفر»، «قلب رقه»، «شهبازی از جنس نور»، «احمد» و... است که فارغ از سطح کیفی، هرکدام از این آثار در ابعاد مختلف به‌هیچ‌وجه به اصل ماجرا -که خود حاج قاسم باشد- نزدیک نشده‌اند. اگر این گمان که شهید سلیمانی همچنان برای تعداد زیادی از سینماگران مقدس است نادرست باشد، این فرضیه که آن‌ها سلیمانی‌ها و کاظمی‌ها را بلد نیستند، دور از ذهن نیست. برای مثال فیلمساز در فیلم سینمایی «احمد» که برشی از حوادث مربوط به زلزله بم با محوریت «سردار احمد کاظمی» است هیچ جایی برای اشاره به حاج قاسم باقی نگذاشت، به‌گونه‌ای که خلا آن به شدت بر پیکر روایت آسیب زد و موتور اثر را از تب و تاب انداخت. حتی فیلم علیه چیزی که می‌خواست بگوید قد علم کرد و از سردار کاظمی یک بازنمایی آنتی‌پاتیک ارائه داد. در ابتدا اشاره کردیم که حاج قاسم و مقاومت باید ابتدا برای هرکس تبدیل به مسئله شود و سپس به فیلم درآید. این معضل بودجه نیست که پس از مرتفع کردن آن بتوان داشتن یک فیلم خوب امیدوار شد، بلکه این اعتقاد به اصل قضیه است که می‌تواند بسیاری از گره‌های کور را باز کند.

بلیت میلیونی برای لب‌خوانی؟

کنسرت‌های خود استفاده نکنند.

محسن ابراهیم‌زاده، ماکان‌بند، حمید هیراد، مجید رضوی، هوروش‌بند و... نام‌های آشنایی هستند که پلی‌بک خواندن‌شان در سال‌های اخیر، واکنش‌های مختلفی را در فضای مجازی به دنبال داشته است. یکی از آنها زمین می‌خورد و میکروفن از دستش می‌افتد اما صدای خواننده هنوز پخش می‌شود و دیگری بالای سن بالا و پایین می‌پرد اما نفسش یاری می‌کند تا همچنان پرقدرت بخواند.

شاید این سوال در ذهن مخاطب مرور شود که یک خواننده با کلی طرفدار، چرا باید با دست گذاشتن روی پلی‌بک، سابقه و محبوبیت خود را خدشه‌دار کند. این موضوع چند دلیلی را شامل می‌شود؛ اول اینکه پلی‌بک خواندن از لحاظ هزینه‌ای برای تهیه‌کننده مقرون به‌صرفه‌تر است. دوم اینکه برخی خوانندگان از فرط ناتوانی برای اجرای زنده، ترجیح می‌دهند با گول زدن مخاطب جایگاه و وجهه هنری خود را حفظ کنند.

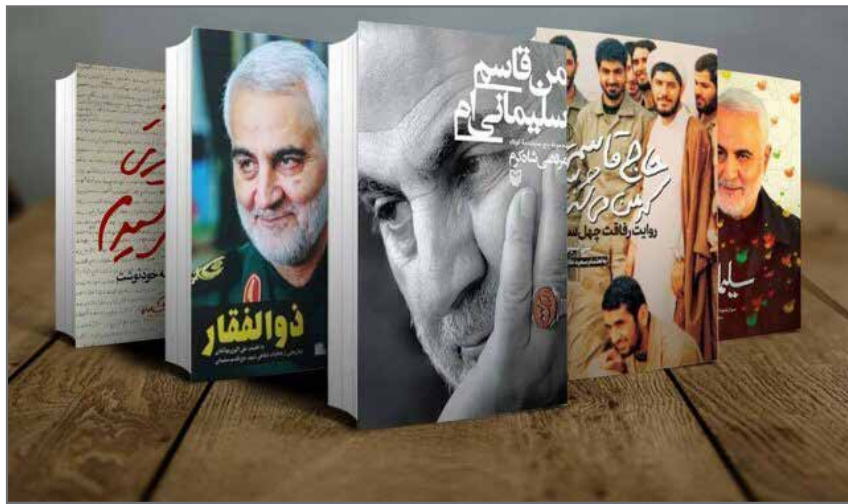


از طرفی دیگر اجرای پلی‌بک اشتباهات کمتری را نسبت به اجرای زنده دارد و گویا کنسرت‌گذاران ترجیح می‌دهند با خیال آسوده، کنسرت برگزار کنند و لو رفتن اجرای پلی‌بک را به جان بخرند. نتیجه این رفتار هم برای مخاطب می‌شود، خرید بلیت میلیونی برای شنیدن لب‌خوانی خواننده!

کیاناتا تصدیق‌مقدم

۵۰۰ کتاب با موضوع حاج قاسم تولید شده ولی آن قدر آثار ضعیف است که انگار چیزی نگفته ایم

۵ سال سکوت



نوشته علیرضا سبحانی نسب است. کتابی که در ۳۶ صفحه تألیف شده و ۵۳ خریدار ۱۵۷۶ نسخه از آن را می‌خرند. کتاب سبحانی نسب در دسته آثار رنگ‌آمیزی کودکان طبقه‌بندی می‌شود و همین که توانسته ۱۵۰۰ نسخه بفروشد خودش یک شاهکار است. با این حال آمار ۵۳ خریدار برای پر فروش‌ترین اثر مربوط به حاج قاسم چیزی نزدیک به فاجعه است. این وضعیت در حالی است که انتشارات مکتب

سلیمانی ۲۶ عنوان کتاب را تاکنون به چاپ رسانده و به نوعی طلاهدار تولیدات آثار با موضوع حاج قاسم است. اینکه یک کتاب رنگ‌آمیزی گوی سبقت را از ۱۰۰۰ اثر می‌برد، یعنی تاریخ در حال تکرار شدن است. همان‌طور که کتاب‌های سازمانی در دهه ۶۰ و ۷۰ نتوانستند قدرتمندی کنند در دهه جدید هم همین فرمول جاری و ساری است. برای آنکه به عمق فاجعه بی‌بریم کافی است به انبارهای یکی از همین انتشاراتی‌های سازمانی نگاهی بیندازید. اگر آن کتاب‌ها خمیر نشده باشند حالا بوی نم مهم‌ترین بخش کتاب‌هایی با عنوان ایثار، شهادت، مکتب امام یا بررسی سیره فلان شهید است. کتاب‌هایی که در خوشبینانه‌ترین حالت حاصل ارادت یک نویسنده خرده‌پاست.

اشتباهات این است که فرموله می‌کنید

اگر سازمان‌ها را هم کنار بگذاریم و اثراتی که بر بازار کتاب گذاشته‌اند را فراموش کنیم باز هم کتاب‌های مربوط به شهید سلیمانی وضعیت بهتری پیدا نمی‌کنند. بد نیست دوباره به سراغ آیینی برویم. او این وضعیت را ذیل مفهومی به نام فرموله کردن فرهنگ صورت‌بندی می‌کند و می‌گوید: «رسانه‌های همگانی می‌کوشند که فرهنگ را فرموله کنند و فرموله کردن فرهنگ مفهومی جز تبدیل فرهنگ به ضد فرهنگ ندارد. عادت نه تنها عمل را از معنا تهی می‌کند بلکه در برابر تعالی و تحول معنوی نیز می‌ایستد. عادت انسان را به ایستایی می‌کشاند حال آنکه تعالی در تحول و پویایی است.» با نگاهی به جلد‌ها و محتوای صورت‌بندی‌شده در کتاب‌های مربوط به حاج قاسم، فرموله شدن به‌وضوح به چشم می‌آید. اگر بخواهیم محتوا و جملات مشترک این کتاب‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم بخش اعظمی از این کتاب‌ها کپی از روی یکدیگرند. به‌عنوان مثال در یکی از این کتاب‌ها ۱۱۰ گزیده از فرمایشات شهید سلیمانی جمع‌آوری می‌شود و در جای دیگر ۴۰ شاخص مکتب شهید سلیمانی جمع‌آوری می‌شود. این درحالی است که هر دو کتاب بخش مهم‌شان جمع‌آوری سخنرانی است. این پایان ماجرا نیست و چند نشر دیگر با عنوان‌های «نطق سلیمان»، «۱۲۰ خاطره»، «حاج قاسم ۲»... باز هم به جمع‌آوری سخنرانی‌های شهید سلیمانی می‌پردازند. سؤال مهم اینجاست که برای کدام مخاطب؟ اگر نویسندگان این آثار احساس وظیفه کرده‌اند برای شهید سلیمانی کاری انجام بدهند، چرا همه احساس وظیفه‌هایشان کتاب شده، آن هم با موضوعاتی مشترک؟



آزادی غربی مولد آسیب‌های اجتماعی

سیدمحمدحسین راجی

خارج شدن زن از جایگاه حقیقی خود، نتایج فلاکت‌باری برای جوامع مختلف به ارمغان آورده است. در بخش پیش‌رو به نمونه‌هایی از این نتایج اشاره می‌کنیم:

گسترش مشروبات الکلی

طبق گزارش مرکز پیشگیری از بیماری‌های وزارت بهداشت آمریکا، مصرف مشروبات الکلی هر ساله باعث مرگ و میر ۲۷۰۰۰ نفر از زنان و دختران می‌شود و خطرات بهداشتی و ایمنی را برای آنان به همراه دارد. این مرکز با اشاره به رواج مصرف الکل در بین زنان و دختران، اعلام کرد نیمی از زنان بزرگسال آمریکایی از مصرف حداقل یک بار و تقریباً ۱۳ درصد از زنان بزرگسال از مصرف به‌طور متوسط ۴ بار الکل در ماه خبر داده‌اند. طبق آمار سال ۲۰۱۶، ۳۲ درصد از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی به نوشیدن مشروبات الکلی رو آورده‌اند که از میزان مصرف پسران دبیرستانی نیز بیشتر و شایع‌تر است. مرکز تحقیقات سرطان انگلستان از رابطه مستقیم مصرف الکل با سرطان در میان زنان سخن به میان آورده و تصریح کرده است که ۵۳ درصد از زنان حداقل یک بار در هفته از نوشیدنی‌های الکلی و حتی ۱۲ درصد از آنان بیش از ۶ بار در هفته از این نوشیدنی‌ها مصرف کرده‌اند.

گسترش مواد مخدر

مؤسسه بین‌المللی سوءمصرف مواد مخدر در آمریکا در گزارشی، به آمارهای تعجب‌برانگیزی از میزان مصرف مواد مخدر در بین زنان اشاره کرده است و در مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۰ به چاپ رسیده است بیان شده‌اند. طبق این آمارها، ۵/۱۹ میلیون زن (۴/۱۵ درصد) از زنان ۱۸ ساله یا بیشتر در سال گذشته از مواد مخدر استفاده کرده‌اند.

خودکشی

در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ میلادی، آمار خودکشی مردان با نرخ ۲۱ درصد در حال افزایش بوده ولی افزایش این آمار برای بانوان، نزدیک به ۵۰ درصد است. آمار خودکشی در غرب و افزایش آن در بین زنان در قیاس با مردان، نشان‌دهنده افزایش بیماری‌های روحی و روانی ناشی از بحران معنویت در میان زنان در کشورهای غربی است.

شکست جنبش ترس از هوش مصنوعی در سیلیکون ولی



راه‌حل‌های مؤثری برای مشکلات جهانی ارائه دهد؛ دیدگاهی که به صورت گسترده مورد استقبال صنعت فناوری قرار گرفت و به تقویت استراتژی‌های تجاری این شرکت‌ها کمک کرد.

در همین حال، سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۴ به سطح بی‌سابقه‌ای رسید. علی‌رغم هشدارهای اولیه درباره خطرات این فناوری، شرکت‌های بزرگ و استارت‌آپ‌ها به توسعه محصولات و خدمات جدید ادامه دادند و تمرکز بر ایمنی را به حاشیه راندند.

یکی از مهم‌ترین نبردهای سال ۲۰۲۴، لایحه بحث‌برانگیز «SB ۱۰۴۷» در ایالت کالیفرنیا بود که هدف آن جلوگیری از خطرات بالقوه هوش مصنوعی پیشرفته بود. اگرچه این لایحه توانست حمایت برخی از محققان برجسته مانند جفری هینتون و یوشوا بنجیو را جلب کند، اما در نهایت توسط گوبین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا وتو شد.

نیوسام در اظهاراتی تأکید کرد که یافتن راه‌حل‌های عملی برای مسائل مرتبط با هوش مصنوعی چالش‌برانگیز است و بسیاری از سیاست‌گذاران نیز دیدگاهی مشابه دارند. در مقابل، شرکت‌های

به گزارش وبگاه خبری تک کراچ، جامعه فناوری اطلاعات در سال ۲۰۲۴، شاهد افول جنبش ترس از هوش مصنوعی بود. این جنبش که از سوی برخی فناوران با هدف هشدار درباره خطرات احتمالی توسعه هوش مصنوعی پیشرفته شکل گرفته بود، توسط دیدگاه‌های مثبت و عمدتاً تجاری صنعت فناوری، تحت‌الشعاع قرار گرفت. این دیدگاه‌ها نه تنها افکار عمومی را به سمت خوش‌بینی هدایت کردند، بلکه منافع مالی چشمگیری را نیز برای شرکت‌های بزرگ فناوری به ارمغان آوردند.

جنبش ترس از هوش مصنوعی، هشدار می‌دهد که سیستم‌های پیشرفته هوش مصنوعی ممکن است به تصمیماتی منجر شوند که جامعه انسانی را به خطر بیندازند؛ اما در مقابل، کارآفرینان سیلیکون ولی این نگرانی‌ها را به چالش کشیده و بر مزایای بالقوه این فناوری تأکید دارند.

به عنوان مثال، مارک اندریسن، بنیان‌گذار شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر اندریسن هوروویتز (a16z)، در مقاله‌ای با عنوان «چرا هوش مصنوعی جهان را نجات خواهد داد»، بر اهمیت تسریع توسعه هوش مصنوعی تأکید کرد. وی در این مقاله مدعی شد که هوش مصنوعی نه تنها تهدیدی برای جامعه نیست، بلکه می‌تواند

ممنوعیت نمایش محتوای اعتیادآور رسانه‌های اجتماعی به نوجوانان در کالیفرنیا

قاضی فدرال ایالات متحده در تصمیمی جنجالی، شکایت گروه لابی فناوری «NetChoice» علیه قانون جدید «SB ۹۷۶» کالیفرنیا را رد کرد. این قانون که ارائه محتوای اعتیادآور به نوجوانان را ممنوع می‌کند، اکنون در مرحله اجرا قرار دارد.

بر اساس این قانون، شرکت‌های فناوری مالک رسانه‌های اجتماعی تنها با رضایت صریح والدین می‌توانند محتوای اعتیادآور به کاربران نوجوان کالیفرنایی ارائه دهند. این محتوای اعتیادآور شامل الگوریتم‌هایی است که بر اساس رفتار کاربران محتوا پیشنهاد می‌دهند و نه بر اساس ترجیحات صریح آن‌ها.

بر همین اساس، شرکت‌ها تا ژانویه ۲۰۲۷، ملزم خواهند بود با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته‌ای مانند مدل‌های تخمین سن، کاربران نوجوان خود را مشخص نموده و محتوای پیشنهادی را برای این گروه به صورت مناسب تنظیم کنند.

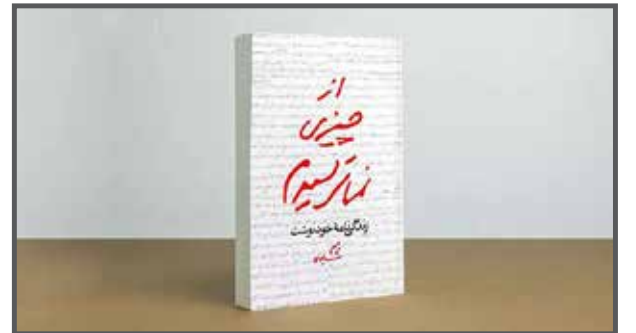
فناوری و سرمایه‌گذاران خطرپذیر به صورت فعال علیه این لایحه لابی کردند و آن را تهدیدی برای نوآوری‌های تکنولوژیکی دانستند.

اکنون با وجود شکست لایحه مذکور، حامیان آن به دنبال اصلاح و ارائه مجدد این لایحه در سال ۲۰۲۵ هستند. در همین حال، مخالفان این جنبش معتقدند که سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه‌تری باید جایگزین مقررات سختگیرانه شوند. به نظر می‌رسد که در سال آینده، نبرد بین خوش‌بینی‌های تجاری و نگرانی‌های اخلاقی درباره هوش مصنوعی ادامه خواهد داشت.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



۵ سال سکوت

شهیدی که شاید بهترین کتابی که درباره او تألیف شده یادداشت‌های خودش در «از چیزی نمی‌ترسیم» باشد. شهیدی که خود خواننده جدی ادبیات بود و در سفرهای کتاب‌هایی از گابریل گارسیا مارکز را همراه می‌برد، حالا روایت او در میان انبوه کتاب‌های بازاری گرم شده و کسی نیست تا روایتی به دور از کلیشه‌ها از او ارائه دهد.

تا چشم کاری کند جای تو خالی ست

«محسن اردستانی» هم در فیلم «روزگار احمد» - که مستندی پرتنه در مورد دوران مبارزات و مسئولیت‌های نظامی شهید احمد کاظمی بود - بخشی را به سپهبد سلیمانی اختصاص داد و نقطه اتکا و تأثیرگذاری روایت را بر دوش این شخصیت استوار کرد.



برای انجام کارهای مشورت کن و ...
چون تصمیم به انجام گرفتی
به خدا توکل کن ...

(سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

نگاهتان فراتر از آسیا برود

اشرف رامین

چرخه انتخابی کشتی گیران رامستهک می‌کند

به نظرم چرخه انتخابی تیم ملی تنها باعث فرسودگی و خستگی کشتی گیران می‌شود و خروجی مثبتی ندارد. قرار است کشتی گیران با حضور در چرخه انتخابی سطح توانایی‌هایشان را به نمایش بگذارند، اما کادرفنی در نهایت گزینه‌های مدنظر خود را انتخاب می‌کند. در واقع نهایتاً نفرات مدنظر کادرفنی باید با کشتی گیرانی که از چنین فیلترهایی می‌گذرند و دچار خستگی هستند رقابت کنند. به طور مثال، الان یک کشتی گیر در مسابقات قهرمانی کشور شرکت می‌کند و بعد از آن به مسابقات برون مرزی اعزام می‌شود. اگر در مسابقات آسیایی به مدال طلا رسید، آن وقت دوباره می‌تواند در چرخه انتخابی تیم ملی کشتی بگیرد. این روند اصلاً درست نیست و به نظرم چرخه انتخابی که در نظر گرفته‌اند بیشتر برای این است که کشتی گیران لای این چرخه بمانند و نابود شوند. کشتی گیری که پنج دوره باید کشتی بگیرد تا خودش را به نفری که کادرفنی انتخاب کرده، برساند و با او هم کشتی بگیرد دیگر توان مبارزه کردن ندارد. کشتی گیر ابتدا در مسابقات قهرمانی کشور کشتی گرفته، بعد از آن به مسابقات آسیایی اعزام شده و اگر مدال طلا کسب کرده باشد باید در یک تورنمنت برون مرزی دیگر هم شرکت کند. در این روند مدام باید وزن کم کند تا در نهایت با یک گزینه که مورد نظر کادرفنی است شاخ به شاخ شود تا تکلیفش برای حضور در تیم ملی مشخص شود. این چه چرخه انتخابی تیم ملی است؟! مسلم است با این شرایط کشتی گیر شکست می‌خورد و در نهایت کشتی گیری انتخاب می‌شود که از اول مورد تأیید کادرفنی بوده است. من اصلاً متوجه نمی‌شوم با این شرایط چه لزومی به برگزاری چرخه انتخابی تیم ملی دارند. این چرخه پر از ایراد است.



شرایط و مشکلات والیبالی ایران در حضور وزیر ورزش و جوانان بررسی شد. در سلسله نشست‌های تخصصی فدراسیون‌ها با احمد دنیامالی، مدیران والیبالی دبیروز در وزارتخانه حاضر شدند و با ارائه گزارشی در خصوص وضعیت فعلی والیبالی خواستار حمایت‌های بیشتر از این رشته شدند. در فاصله ۶۲۶ روز تا آغاز بازی‌های آسیایی ناگویا، وزارت ورزش در تلاش است به صورت ویژه وضعیت رشته‌های مدال آور را بررسی و شرایط را برای عملکرد موفق تیم‌های ملی در بازی‌های آسیایی و بازی‌های المپیک لس‌آنجلس فراهم کند.

والیبالی ملی ایران اگرچه در دهه ۹۰ توانست درخششی خیره‌کننده داشته باشد و خود را به جمع قدرت‌های بزرگ والیبالی جهان برساند، اما در دو، سه سال گذشته عملکرد تیم ملی بزرگسالان به شدت افت کرده و تغییرات مکرر کادرفنی نیز نتوانسته حلال مشکلات باشد. ناکامی در کسب سهمیه المپیک توکیو و عملکرد ضعیف در لیگ ملت‌ها باعث شده روند نزولی تیم ملی بیش از پیش به چشم بیاید. وزیر ورزش و جوانان در حضور مدیران والیبالی از آنها خواست نگاهشان فراتر از آسیا باشد: «ثروت و دارایی هر مجموعه‌ای نیروی انسانی آن است و فدراسیون والیبالی نیروی انسانی باتجربه و فرهیخته‌ای دارد. ریل‌گذاری خوبی از دوره آقای یزدانی خرم صورت گرفته است و جایگاه حال حاضر والیبالی نتیجه مدت‌ها تلاش و پیگیری بوده و این بسیار ارزشمند است. یکی از فدراسیون‌هایی که به آن خیلی امیدواریم، فدراسیون والیبالی است. نگاه ما باید از آسیا فراتر برود و می‌توانیم به دنبال جایگاهی خوب در المپیک باشیم. حوزه

زنان در والیبالی برای ما خیلی اهمیت دارد و ظرفیت خوبی هم در این زمینه داریم و مهم است که دختران ما در بازی‌های کشورهای اسلامی عنوان قهرمانی را به دست آورند.» علاوه بر این دنیامالی تأکید کرد از تیم ملی انتظار تکرار قهرمانی بازی‌های آسیایی را دارد: «این انتظار را داریم که تیم مردان در ناگویا هم عنوان قهرمانی را تکرار کند، اما شرایط سخت است و رقیب قدرتمندی مثل ژاپن داریم. قبل از هر چیزی، همگرایی و رفاقت و استفاده از ظرفیت‌ها در اولویت قرار دارد و الان تعامل خوبی میان وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک برای رسیدگی به فدراسیون‌ها وجود دارد.» وزیر ورزش ضمن اشاره به حمایت از تیم ملی والیبالی اظهار داشت: «این ظرفیت را داریم که دو تیم قوی در مسابقات داشته باشیم. در بحث منابع هم کمک می‌کنیم تا یک مجموعه اسپانسرینگ خوب بتواند تا المپیک لس‌آنجلس همراه فدراسیون باشد. نداشتن کمپ یکی از مشکلات والیبالی ماست و در نظر داریم کمپ در شأن والیبالی ساخته شود. همه تلاش خود را می‌کنیم تا شرایط خوبی را رقم بزنیم. امیدوارم روزهای خوبی برای والیبالی کشورمان شاهد باشیم.»

در استقلال هیچ چیز سر جای خودش نیست



استقلال دو مشکل خیلی بزرگ دارد. یک مشکل خیلی خیلی خیلی بزرگش، فضای مجازی است و دیگری هم مشکل مدیریتی است. این دو موضوع همیشه دست به دست هم داده تا استقلال خوب کار نکند و این موضوع در جذب بازیکن و سرمربی به تیم آسیب زده.
پارسال تیم وضعیت خوبی داشت و روی اتفاق یا اشتباه کمک داور، جام تقدیم رقیب شد. در بحث اول امسال، یک زمانی را گفتند که آقای نکونام شرایط کار ندارد و همان زمان خود مدیریت دنبال جذب بازیکن خارجی بود اما تیم باید به دنبال مدیریت بحران باشد تا شرایط را به سمت و سویی ببرد که تیم نتیجه بگیرد. آن حواشی ابتدای فصل باعث شد تا تیم از نظر بحث تاکتیکی و جذب بازیکن دور بماند.
یک اتفاق دیگر هم به خود جواد نکونام لطمه زد، این بود که او پارسال بازی‌های زیادی برده بود و او این فصل به خاطر فشار رسانه درباره دفاعی بودن تیمش تغییر سبک داد. تیمش یک سال بازی کرده بود و با شرایط سبک و سیستم‌اش عادت داشت.

به فوتبال امید نداشته باشید

فریدون حسن



می‌دهد با وجود مدیران امتحان پس‌داده نباید به آینده این رشته چندان امیدوار بود. شاید از همین حالا بتوان گفت به فوتبال امید نداشته باشید.

افرادی از فوتبال بریده شود. اینکه فوتبال به اهلس سپرده شود مانند کشتی تا شاید خودشان بتوانند گلیم‌شان را از آب بیرون بکشند، والا با این چهره‌های تکراری و امتحان پس‌داده که جز حرف مفت زدن کار دیگری بلد نیستند، فوتبال ایران راه به جایی نمی‌برد. نکته قابل تأمل دیگر در پروسه ثبت‌نام نامزدهای انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال اینک است که اگر نهادهای نظارتی و امنیتی برخورد درست و قاطعی با این مدیران متخلف داشتند، نه اتفاقات چهار سال قبل رقم می‌خورد و نه امروز شاهد تکرار آن بودیم. امروز با نهایت تأسف شاهد این هستیم که افرادی برای ریاست فدراسیون فوتبال پا پیش می‌گذارند که تکلیف‌شان روشن است. طی دو روز گذشته آنها را دیده‌ایم و حتماً امروز و فردا و تا پایان مهلت زمان ثبت‌نام هم می‌بینیم. آدم‌هایی که از نمد فوتبال برای خودشان کلاه‌ها خواهند ساخت بدون اینکه کوچک‌ترین فایده‌ای برای فوتبال داشته باشند. فوتبال روزهای حساسی را پیش‌رو دارد، روزهایی که نشان

به فوتبال ندارد در تلویزیون بود، چرایی‌اش را شما خودتان پیدا کنید. یکی دیگر هم که قرار است بیانیه صادر کند، دیروز رفت برای ثبت‌نام و البته در میان حرف‌هایش همراه با خبرنگاری که نفهیدیم چرا این سؤال را پرسید دلار را هم تا ۱۰۰ هزار تومان بالا برد و از برنامه طرح نجات ملی فوتبال حرف زد!
نکته همین جاست؛ فوتبال ایران با مدیریت همین آدم‌ها به ورطه فساد کشیده شده است که هیچ تفاوتی هم با هم ندارند. مدیران امروز هم وقتی آمدند امتحانشان را قبلاً پس داده بودند، اما باز هم آمدند تا فوتبال ایران چندین گام دیگر به سقوط نزدیک‌تر شود. حالا این دور باطل باز در حال تکرار شدن است؛ یک عده آدم تکراری با کارنامه‌های کاملاً مشخص وارد چرخه انتخابات می‌شوند و اینطور که از ظواهر ماجرا برمی‌آید باز هم یک چهره تکراری دیگر قرار است رئیس شود و فوتبال را بیشتر به لبه پرتگاه نزدیک کند. آنچه مشخص است اینک خود فوتبال باید به داد خودش برسد. جماعت فوتبالی باید کاری کنند تا پای چنین

این روزها چهره‌های آشنای فوتبالی با ادعاهای آنچنانی برای ثبت‌نام انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال در حال سبقت گرفتن از هم هستند. حالا بهتر می‌توان از فساد حاکم بر فوتبال نوشت، چراکه خود آقایانی که برای ثبت‌نام انتخابات مراجعه می‌کنند با فریاد می‌گویند فوتبال فاسد است و کلی هم برنامه دارند برای مبارزه با فساد در فوتبال!
جالب است در طول تمام این سال‌ها که از فساد حاکم بر فوتبال نوشته‌ایم، همواره متهم شده‌ایم به سیاه‌نمایی. متهم شده‌ایم به اینکه با بزرگنمایی تخلفاتی که به‌زعم آقایان کوچک است، ارکان فوتبال کشور را زیر سؤال برده‌ایم، اما حالا آقایانی که می‌آیند تا در انتخابات شرکت کنند خودشان از فساد حاکم بر فوتبال می‌گویند و باز جالب است که بخشی از این فساد مربوط به دورانی است که خودشان اداره فوتبال را در دست داشته‌اند، اما حالا چون نیستند همه چیز فاسد شده است. دو شب پیش یکی از همین آدم‌ها که اتفاقاً خودش معترف است هیچ ربطی